

بحران سیاسی ترکیه، در تحولات اخیر

بهرام رحمانی

جنگی که آمریکا و بریتانیا، بر علیه مردم عراق، راه انداخته‌اند، با ظرفیت‌های بیش از حد غیرانسانی و بی‌رحمی و وحشی‌گری غیرقابل‌تصوری در جریان است. تاکنون هزاران نفر از مردم غیرنظامی در شهرها و روستاهای عراق جان خود را از دست داده‌اند و یا زخمی شده‌اند. میلیون نفر نیز آواره جنگی در کوه، دشت، روستاها و مرزها در معرض گرسنگی و انواع و اقسام بیماری‌های مسری و بلایای طبیعی قرار دارند. در این میان معاملات نهران و آشکار هیات حاکمه آمریکا و ترکیه، به نتایج مطلوب و دل‌خواه‌شان نرسیده است. نقش ترکیه در این جنگ و حتا وقایع پس از آن برای آمریکا، حائز اهمیت است. در این جنگ خونین، هر کدام از طرفین ذینفع به فکر سهم خود از غنائم جنگی و منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود هستند. آن چه که برای این دولت‌ها اهمیت ندارد، حرمت و موجودیت انسان و معیارهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. امپریالیسم آمریکا و متحدانش به طور عنان گسیخته و هار با حمله به عراق، نه تنها مردم این کشور، بلکه بشریت را مورد هدف جانباخته قرار داده است. از این رو دفاع از مردم عراق، دفاع از حرمت و موجودیت انسان است.

جایگاه استراتژیک ترکیه برای آمریکا

جمهوری ترکیه، به دنبال فروپاشی امپراتوری عثمانی که توان مقابله با انقلاب صنعتی اروپا را نداشت، به رهبری مصطفی کمال (آتاتورک) در سال ۱۹۲۲ به استقلال رسید. در این دوره متفقین پیمان جدیدی را منعقد نمودند؛ متصرفات خود را بر اساس این پیمان جدید تقسیم کردند و مرزها و کشورهای جدیدی را به وجود آوردند. بدین ترتیب از دل فروپاشی امپراتوری عثمانی، کشورهای ترکیه، سوریه و عراق اعلام موجودیت کردند و مردم کرد نیز به شیوه غیرانسانی بین این کشورها و ایران تقسیم شدند. بی‌شک نگاه مختصری به این تاریخ، توضیح وقایع امروز سهل‌تر می‌سازد. در کنگره لوزان، پیمان‌نامه زیر به تصویب رسید:

- ۱- حمایت قاطع ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی از مصطفی کمال.
 - ۲- کشف منابع عظیم نفتی در منطقه کردنشین موصل و انحصار آن توسط شرکت نفت ترکیه.
 - ۳- ترس بریتانیا و فرانسه از درگیری با مصطفی کمال که مورد حمایت ایالات متحده و شوروی.
- در ۲۴ آوریل ۱۹۲۰، بریتانیا و فرانسه در قرارداد خود که به «قرارداد نفت» شهرت یافت و در شهر «سان رمو» منعقد شد؛ توافق کردند ۲۰ درصد از نفت موصل به کشور عراق داده شود. از آن جا که دولت‌های هم‌پیمان در سان رمو و سور، به این امر اذعان کرده بودند که موصل بخشی از کردستان

مستقل آینده خواهد بود، هیچ شکی باقی نمی ماند که منابع نفتی آن به دولت آینده کردستان تعلق خواهد داشت. اما این واقعیت هر گز تحقق پیدا نمی کند تا مساله کرد هم چنان لاینحل باقی بماند.*

اما کنگره لوزان روز ۲۵ نوامبر ۱۹۲۲ در شهر «لوزان» برگزار شد، دولت های شرکت کننده در این اجلاس تمایلی به پافشاری و اصرار بر توافقات قبلی خود نداشتند. در روز چهارم اجلاس، ایالات متحده آمریکا، به صورت آشکار حامی ترکیه شد و درخواست رسمی خود را برای بحث در مورد نفت موصل مطرح کرد. امتیاز نفت موصل، سرنوشت مردم کرد و ارمنی در ترکیه را دگرگون ساخت و تعهدات قبلی به کناری گذاشته شد. جمهوری تازه تاسیس ترکیه، با حمایت آمریکا، از تجدید قرارداد نفتی خود با بریتانیا، در چهارچوب کمپانی نفتی ترکیه-بریتانیا، سر باز زد و همه زمینه را برای اعطای بخشی از امتیازات به آمریکا را فراهم ساخت. بدین ترتیب مردم کرد و دیگر اقلیت ها در این کشور، که در کنفرانس های قبلی حقوق و هویت آن ها به رسمیت شناخته شده بود قربانی معاملات ترکیه، آمریکا و بریتانیا گردیدند. اما با این وجود ادعای حاکمیت بریتانیا بر عراق، از سوی کنگره به رسمیت شناخته شد و تقریباً سر ترکیه، در این معاملات بی کلاه ماند و دولت بریتانیا دست ترکیه را از نفت موصل کوتاه کرد. اما از آن تاریخ ترکیه، به عنوان متحد استراتژیک آمریکا ظاهر شد. به همین دلیل قبل از آغاز جنگ اخیر نخست وزیر ترکیه، برای ورود نیروهای بریتانیایی به این کشور و از آن جا به شمال عراق، این شرط را گذاشت که سهمیه ۲۰ درصدی ترکیه از نفت موصل در نظر گرفته شود. این شرط سبب گردید که یکی از مهم ترین کشمکش های تاریخی بین بریتانیا و ترکیه مجدداً آغاز گردد.

قبل از این وقایع هیچ کس انتظار نداشت که دولت ترکیه نتواند خواسته های آمریکا و بریتانیا را برآورد سازد. به ویژه آمریکا، بر نقش تاریخی و استراتژیک ترکیه، کم ترین شکی به خود راه نداده بود، از این رو جبهه شمال علیه عراق، برای آمریکا و بریتانیا کم خرج تر و شاید هم برای کسب پیروزی های اولیه جنگ راهی میان بر به شمار می رفت. ده ها هزار نفر از نیروهای آمریکایی با سلاح های سبک و سنگین خود در کشتی هایی که از ماه ها قبل از آغاز جنگ، در بنادر ترکیه پهلو گرفته بودند تا وارد خاک این کشور شوند تا راهی شمال عراق شوند، در انتظار تصویب مصوبه دولت در پارلمان ترکیه بودند. این مصوبه به تصویب پارلمان نرسید. اما با این وجود نیروهای آمریکایی با اجازه دولت ترکیه وارد خاک ترکیه شدند و در نزدیکی های مرز عراق اسکان یافتند تا مصوبه دیگری به پارلمان ارسال گردد. اما مصوبه دوم نیز تصویب نشد. نیروهای آمریکایی ناچاراً مجدداً به کشتی های خود برگشتند تا از آن جا راهی بندر عقبه در اردن شوند تا شاید از طریق خاک اردن به مرزهای عراق برسند و جبهه جدیدی را از آن جا باز کنند. اما با رشد فزاینده مخالفت شدید مردم اردن با جنگ، بعید به نظر می رسد که این هدف آمریکا برآورد شود. البته ناگفته نماند که تاکنون

رسانه‌های گروهی از جمله روزنامه‌ها و تلویزیون‌های ترکیه، بارها خبر ورود ارتش ترکیه و آمریکا به کردستان عراق را اعلام کرده‌اند. از سوی دیگر آمریکا، مجبور گردید، تعداد هزار نفر از کماندوهای خود را با چتر در کردستان عراق پیاده کند.

در هر صورت این مشکلی بود که تاکنون هیات حاکمه آمریکا و بریتانیا با دولت ترکیه پیدا کرده‌اند. لازم به تاکید است که حزب حاکم اسلامی عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، به راه‌های مختلفی برای پیش‌برد معاملات نهان و آشکار با آمریکا متوسل شد. حتا این حزب از سوی احزاب اسلامی دیگر، متهم به این شده است که با حمایت آمریکا بر حاکمیت ترکیه زده است. اما این حزب، برای رسیدن به اهداف نهایی با مشکلات و موانع گوناگونی روبه‌رو است. در این جا به چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱- بر اساس آمارسنجی‌های مختلف بیش از ۹۴ درصد مردم ترکیه، مخالف شرکت این کشور در جنگ علیه عراق است. مردم این اعتراض خود را بارها و پی‌درپی در تظاهرات‌ها و میتینگ‌های ده‌ها هزار نفری اعلام کرده‌اند.

۲- ترکیه، شدیداً با بحران اقتصادی و تورم و گرانی دست به گریبان است. کمکی که آمریکا، برای این کشور در نظر گرفته است رقمی در حدود پنج یا شش میلیارد دلار است، در حالی که ترکیه ادعا می‌کند برای پشت‌سر گذاشتن بحران موجود نیاز به رقمی در حدود ۹۰ میلیارد دلار دارد.

۳- ترکیه، در انتظار عضویت در اتحادیه اروپا به سر می‌برد. دست‌کم دولت‌های فرانسه، آلمان و هلند به دولت ترکیه اخطار کرده‌اند که اگر وارد جنگ شود، عضویت‌اش در اتحادیه اروپا سخت خواهد بود.

۴- مردم کردستان عراق، شدیداً مخالف ورود ترکیه به سرزمین‌های خود هستند. این عوامل بر سر راه دولت ترکیه قرار دارند و به نظر نمی‌رسد حزب حاکم اسلامی عدالت و توسعه، از عهده آن‌ها بر بیاید.

از سوی دیگر دولت و ارتش ترکیه، با اشتیاق فراوان منتظر است که وارد کردستان عراق شود. بهانه‌های دولت ترکیه، برای ورود به شمال عراق، با دلایل واقعی این حرکت به کلی متفاوت است. دست‌آویزهایی از قبیل جلوگیری از سیل ورود آوارگان، جلوگیری از ورود نیروهای «پ ک ک»، نگرانی از افتادن کرکوک به دست احزاب کردستان. در حالی که آمریکائی‌ها از این بابت تضمین‌های کافی را داده‌اند. آمریکا اعلام کرده است که فقط نیروهای آمریکایی باید در کرکوک و موصل مستقر شوند و نیروهای کرد وارد این دو شهر نشوند. در مذاکرات سه جانبه نمایندگان آمریکا، ترکیه و دو حزب حاکم در کردستان عراق، یعنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات چنین توافقی حاصل شده است.

واقعیت این است که دولت ترکیه خواهان حضور نظامی خود در خاک عراق، و شکل دادن به نحوه

آرایش و تقسیم قدرت بعد از سقوط دولت عراق است، موقعیت احزاب کردستان را در دولت آینده عراق تنزل دهد، «جبهه ترکمن» را به طور موثرتر و چشم گیرتری در قدرت سیاسی محلی و سراسری شرکت کند و ظرفیت خود را برای روبه رو شدن با تحولات غیرقابل پیش بینی در صورت خارج شدن اوضاع از کنترل، افزایش دهد.

مسئله جنگ ویرانگر آمریکا، بریتانیا و دخالت ترکیه در عراق و کردستان این کشور، عواقب و نتایج مخربی برای مردم تحت ستم کرد، مردم آزادی خواه، کارگران و کمونیست ها به بار آورده است. همچنین یکی از عواقب این جنگ رشد خرافات ملی و مذهبی و تعصبات کور در خاورمیانه است. این دولت ها می توانند در کوتاه مدت قدرت خود را با زور سرنیزه، کشتار، سرکوب و تخریب و آلوده کردن محیط زیست بر مردم عراق تحمیل کنند، اما با این توهم باید مبارزه کرد که این جنگ بر سر «نابودی سلاح های کشتار جمعی»، «دمکراسی» و «دیکتاتوری» است. این جنگ، در راستای اهداف غیرانسانی امپریالیستی آمریکا و متحدانش و اعمال سلطه اش بر جهان بشری است. در چنین وضعیتی قطعاً باید کارگران و سوسیالیست های عراقی و کرد، مبارزه خود را مستقل از بورژوازی و گرایشات عقب مانده ملی و مذهبی آن و با حمایت و پشتیبانی هم طبقه های خود در دیگر کشورها سازمان دهند. قطعاً باید از حرمت انسانی و حق تعیین سرنوشت مردم عراق، کردستان و فلسطین دفاع کرد.

۱ آوریل ۲۰۰۳

* کردستان و کرد در اسناد محرمانه بریتانیا، و_همدی، ترجمه بهزاد خوشحالی، چاپ اول زمستان ۱۳۷۸، انتشارات نور علم، همدان، ص ۱۰ تا ۱۲.

بر گرفته از: نشریه جهان امروز، شماره ۱۰۳ www.cpiran.org